



تطبیق سبک‌شناسی نهاد خانواده در قرآن کریم و داستان‌های شهرنوش پارسی‌پور و نمونه‌های تصویری آن

ثمر میری^۱ ID

^۱ دانش‌آموخته دکترای زبان و ادبیات فارسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران، Samar.mir@yahoo.com

چکیده

نهاد خانواده و تأثیر تربیتی آن همواره مورد توجه اندیشمندان بوده است. خانواده کانونی است که بذر هویت، فرهنگ و شخصیت هر فرد در آن پایه‌گذاری می‌شود. شناخت عواملی که به تحکیم بنیاد این نهاد مدد می‌رساند امری ضروری و بدیهی است. در بین تمام نهادها، سازمان‌ها و تأسیسات اجتماعی، خانواده نقش و اهمیت خاص و به‌سزا دارد. تمام آنان که در باب سازمان جامعه اندیشیده‌اند، همه مصلحین، حتی رویاگرایان و آنان که به ناکجاآباد روی کردند، بر خانواده و اهمیت حیاتی آن بر جامعه تأکید ورزیده‌اند. به‌درستی هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای سلامت کند، چنان‌چه از خانواده‌هایی سالم برخوردار نباشد. در این مقاله که به شیوه توصیفی و تحلیلی نگاشته شده، پس از طرح مباحثی در مورد خانواده، به بررسی وضعیت خانواده‌های منعکس‌شده در آثار داستانی مورد نظر پرداخته شده است. در نهایت، نشان می‌دهد خانواده در آثار داستانی پارسی‌پور از پایه و اساس سست و متزلزل است و عوامل متعددی سبب از هم‌گسیختگی خانواده‌ها در آثار داستانی این نویسنده شده است. مهم‌ترین عوامل در آثار داستانی پارسی‌پور که باعث فروپاشی خانواده‌ها شده، طلاق و جدایی، غیبت غیرارادی و امراض روحی جسمانی یکی از اعضا می‌باشند. نویسنده در آثار خود از خانواده‌های مردسالاری سخن به میان می‌آورد که مقام و جایگاه زن را نادیده می‌گیرند و برای جنس زن ارزشی قائل نیستند. شخصیت‌های داستانی به‌دلیل شرایط بدی که در خانواده‌ها دارند، ناشاد و بدبخت هستند که در جهان آثارش بی هیچ امید و هدفی پرسه می‌زنند.

اهداف پژوهش:

۱. نشان‌دادن واقعیت‌های اجتماعی جامعه در حوزه خانواده.
۲. بررسی نوع نگاه جامعه به زن در آثار شهرنوش پارسی‌پور.

سؤالات پژوهش:

۱. آیا نهاد خانواده و ساختار آن از خلال آثار داستانی شهرنوش پارسی‌پور نمایان است؟
۲. آیا با مطالعه و بررسی آثار برگزیده داستانی شهرنوش پارسی‌پور می‌توان به روابط و مناسبات حاکم بر خانواده‌های ایرانی پی برد؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۲

دوره ۲۰

صفحه ۸۹۲ الی ۹۰۶

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۰۸/۲۸

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱

کلمات کلیدی

شهرنوش پارسی‌پور،
آثار داستانی،
سبک‌شناسی،
خانواده.

ارجاع به این مقاله

میری، ثمر. (۱۴۰۲). تطبیق سبک
شناسی نهاد خانواده در قرآن کریم و
داستان‌های شهرنوش پارسی‌پور و
نمونه‌های تصویری آن. مطالعات هنر
اسلامی، ۲۰(۵۲)، ۸۹۲-۹۰۶.



[dori.net/dor/20.1001.1.*
***** ***/](https://doi.org/10.22034/IAS.2022.305961.1731)



[dx.doi.org/10.22034/IAS
.2022.305961.1731](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2022.305961.1731)

مقدمه

خانواده نخستین سنگ بنای جامعه و کوچک‌ترین نهاد اجتماعی است که در زندگی جمعی انسان شکل گرفته و مهم‌ترین نقش را در توسعه و رشد بشر در امتداد تاریخ از خود نشان داده است؛ از این‌روست که این نهاد اجتماعی، همواره موردنظر و توجه عالمان، جامعه‌شناسان، روانشناسان، حاکمان و ... بوده است. این نهاد، پدیده‌ای جهانی است که در همه جوامع وجود دارد. اهمیت خانواده در زندگی جمعی بشر امری بدیهی است. خانواده، خمیرمایه و هسته نخستین پایگاه و چکیده هر یک از جامعه‌های انسانیت و به عبارتی دیگر، اولین گروهی است که هر انسانی به آن تعلق دارد. آثار داستانی و محیط اجتماعی هرگز از هم جدا نبوده و نیستند؛ از این‌رو، با مطالعه آثار داستانی می‌توان به ساختارها و روابط اجتماعی حاکم بر جامعه دست یافت. خانواده و ساختار آن از جمله مفاهیم دانش جامعه‌شناسی است که می‌توان بازتاب آن را در آثار داستانی بازجست و بازنمود؛ این درحالی است که آثار داستانی را از دیگر زوایا هم می‌توان مورد پژوهش قرار داد. این پژوهش با توجه به اهمیت و ویژگی‌های خاص ساختار خانواده، بر آن است که این مفاهیم را در آثاری چند، مورد بررسی قرار دهد.

اندیشمندان از دیرباز به اهمیت این نهاد در ساختار هر جامعه‌ای توجه کرده‌اند. یکی از این متفکران ارسطو است. او خانواده را اساس جامعه می‌داند (فروغی، ۱۳۸۵: ۵۸). پارسونز آن را زیرمجموعه نظام اجتماعی می‌داند. برخی دیگر محققان این نهاد را در زیرمجموعه نهاد سیاسی قرار داده‌اند (ورد و شرمین، ۱۳۶۶: ۶۲). به این ترتیب، خانواده اولین و کهن‌ترین واحد در ساختار جامعه است و برای بررسی یک جامعه به صورت دقیق، اصولی‌ترین روش مطالعه و بررسی نهاد خانواده در آن جامعه است. به استدلال برخی پژوهشگران «از دیدگاه ساختاری، خانواده واحد اصلی است که جامعه بر فراز آن استوار گردیده و این خانواده‌ها هستند که افراد را، نه افراد هستند که خانواده‌ها را به وجود می‌آورند» (اشلی و اورنشتین، ۱۳۸۳: ۸۹). از نظر پارسونز، خانواده همان نظامی است که پویاشدن جامعه در همه جهات را می‌تواند کنترل کند (اسمیت، ۱۳۸۶: ۲۹)، زیرا «خانواده، با حرکت مطلوب و سازمان‌یافته خود می‌تواند الگوی مناسب مصرفی، اقتصادی، تربیتی، تولیدی و ابتکاری را در اعضای خود ایجاد کرده و بدین‌گونه میزان بهره‌وری عمومی را در سطح خرد و کلان افزایش دهد» (شیخی، ۱۳۸۷: ۸۱).

بررسی وضعیت خانواده‌ها در آثار ادبی از مسائل اساسی است که هم در رشته‌های جامعه‌شناسی و هم در رشته ادبیات مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در زمینه «بررسی خانواده در آثار داستانی شهرنوش پرسی‌پور» هیچ‌گونه پژوهش مستقل مشاهده نگردید، اما سایر پژوهشگران تحقیقات متفاوت با این موضوع بر روی آثار پرسی‌پور انجام داده‌اند که از آن جمله می‌توان به پژوهش‌های ذیل اشاره نمود: رحمانیان و دیگر همکاران، (۱۳۸۹). در مقاله خود با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی رمان «طوبی و معنای شب» اثر شهرنوش پرسی‌پور» به بررسی وضعیت سیاسی - اجتماعی جامعه در رمان طوبی و معنای شب شهرنوش پرسی‌پور پرداخته است. خسروی‌شکیب (۱۳۸۹) در مقاله خود با عنوان «بررسی اندیشه فمینیسم در آثار شهرنوش پرسی‌پور و مارگریت دوراس» اندیشه فمینیستی این دو نویسنده را مورد تحلیل و

بررسی قرار داده است. پورغلامی (۱۳۹۲) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی مؤلفه‌های پسامدرن در آثار رضا امیرخانی و شهرنوش پارسی‌پور» پرکاربردترین مؤلفه‌های پست مدرن را در آثار این دو نویسنده مورد بررسی قرار داده است.

مقاله حاضر با بهره‌گیری از شیوه توصیفی و تحلیلی هدف آن نشان دادن واقعیت‌های اجتماعی جامعه در حوزه خانواده است. آشکار است که این هدف از دریچه ادب داستانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این پژوهش سعی می‌شود تا به پرسش‌های ذیل پاسخ داده شود: آیا نهاد خانواده و ساختار آن از خلال آثار داستانی بررسی شده نمایان است؟ آیا با مطالعه و بررسی آثار برگزیده داستانی شهرنوش پارسی‌پور می‌توان به روابط و مناسبات حاکم بر خانواده‌های ایرانی پی برد؟ از آنجاکه تاکنون اثری منسجم که توانسته باشد ساختار و مناسبات خانواده در آثار داستانی شهرنوش پارسی‌پور را در ادبیات داستانی بازنماید، نگاشته نشده، این پژوهش می‌تواند پژوهشی ضروری باشد. در این پژوهش به تحلیل و بررسی خانواده و ساختار آن در چهار اثر برگزیده شهرنوش پارسی‌پور؛ رمان طوبی و معنای شب، رمان سگ و زمستان بلند، داستان بلند تجربه‌های آزاد و مجموعه داستان زنان بدون مردان پرداخته می‌شود.

۱. مفهوم خانواده

لوئیز هنری مورگان (۱۸۱۸-۱۸۸۱م). مردم‌شناس مشهور آمریکایی مفهوم (family) را برگردان لاتین family می‌داند که از ریشه familia به معنای «برده» و «مستخدم» گرفته شده است؛ به گفته وی معادل این واژه به زبان یونانی oikonomia است که واژه Economics به معنای اقتصادیات از آن گرفته شده و بیانگر آن است که پیشینیان در وهله نخست، خانواده را یک سازمان اقتصادی می‌دانستند (فربد، ۱۳۸۸: ۱۴۳). «واژه خانواده علاوه بر افراد، به روابط بین آنان نیز اشاره دارد و می‌تواند تا آنجا وسعت یابد که سلسله‌ای از خویشاوندان را دربرگیرد که هم خانه نیستند، اما دارای میراث آبا و اجدادی مشترکی هستند» (سگالین، ۱۳۷۵: ۱۸). در نگاه کینگزلی دیویس (۱۹۰۸-۱۹۸۵م). جامعه‌شناس آمریکایی، خانواده از گروهی اشخاص تشکیل می‌شود که روابطشان با یکدیگر بر پایه خویشاوندی هم‌خونی استوار است (بستان، ۱۳۸۵: ۴۷).

خانواده به‌عنوان نخستین نهاد اجتماعی‌ای که در زندگی جمعی انسان، مهم‌ترین نقش را در توسعه و رشد انسان از خود نشان داده است، از آغاز تا فرجام زندگی، نسبت به سایر نهادهای اجتماعی از ارزش و اهمیت خاص‌تری برخوردار است. باقی‌نصرآبادی، نهاد خانواده را کوچک‌ترین واحد اجتماعی و در عین حال بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین واحد تربیتی در جوامع می‌داند، به‌طوری‌که این نهاد می‌تواند منشأ تحولات عظیم فردی، اجتماعی و رشد ارزش‌های انسانی در میان اعضای آن باشد؛ وی نهاد خانواده را به‌عنوان یک گروه و واحد اجتماعی، دربرگیرنده بیشترین و عمیق‌ترین مناسبات انسانی می‌داند که موقعیت‌های متعددی را برای یادگیری، شکل‌گیری نگرش‌ها و تشکیل باورهای اساسی یک فرد فراهم می‌آورد (باقی‌نصرآبادی، ۱۳۸۷: ۴). «خانواده از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر جامعه است. هرگز جامعه‌ای نمی‌تواند به سلامت رسد مگر آن‌که از خانواده‌هایی سالم برخوردار باشد» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۳۶۰). باتوجه به این نگرش‌ها و دقت به ارتباط تنگاتنگ خانواده و جامعه با یکدیگر باید گفت: خانواده به‌عنوان یک گروه اجتماعی کوچک،

در حفظ و استمرار میراث فرهنگی جامعه، افزایش قدرت مقاومت در برابر نابسامانی‌ها و مقابله با آسیب‌های اجتماعی نقش قابل توجهی ایفا می‌کند.

در دیدگاه اسلام مهم‌ترین نهادی که در یک جامعه از اهمیت فردی و اجتماعی برخوردار است، نهاد خانواده است و تشکیل خانواده یکی از ارزشمندترین و مقدس‌ترین اقدامات برای هر انسان تلقی شده است، به گونه‌ای که هیچ اقدام اجتماعی را نمی‌توان از جهت ارزش با آن مقایسه کرد. «دین اسلام به عنوان آخرین دین الهی، بخش عمده‌ای از قوانین و توصیه‌ها را به خانواده اختصاص داده است و در این راستا آداب و ویژه‌ای برای زندگی خانوادگی وضع کرده و بسیاری از هنجارهای مربوط به ازدواج و خانواده را در بخش عمده‌ای از جهان تغییر داده است» (سالاری فر، ۱۳۸۵: ۶-۵). به تعبیر میرخانی، در «رویکردی نوین در خانواده»، دین اسلام قوانین مربوط به خانواده را در دو بخش حقوق و اخلاق به گونه‌ای مفصل عرضه کرده است که در بُعد حقوق زوایا و ابعاد زندگی مشترک زن و مرد براساس حاکمیت و حفظ ارزش‌ها و احترام متقابل مورد توجه قرار گرفته است و در بُعد اخلاق به نکات ارزشمندی تأکید می‌شود؛ به گفته وی خانواده در اسلام بر مبنای اصل «مودت و رحمت» و تفاهم و نیز ایجاد زمینه برای رشد و بالندگی و تقویت شکل گرفته است (میرخانی، ۱۳۷۹: ۳۱-۳۰).

۲. خانواده در قرآن کریم و نمونه‌های تصویری آن

خانواده یک واحد اجتماعی است که هدف از آن در نگاه قرآن، تأمین سلامت روانی برای سه دسته است؛ زن و شوهر، پدر و مادر و فرزندان. همچنین هدف، ایجاد آمادگی برای برخورد و رویارویی با پدیده‌های اجتماعی است. در آیه ۷۴ سوره فرقان می‌خوانیم: (والذین یقولون ربنا هب لنا من أزواجنا قرّة أعین و اجعلنا للمتقین إماماً) و کسانی که می‌گویند خدای ما ما را از همسران مان نور چشمان بخش و ما را رهبر پرهیزکاران گردان. این آیه بر اهمیت خانواده و پیش آهنگی آن در تشکیل جامعه نمونه انسانی اشاره دارد، چنانکه پیوندهای سالم و درخشان خانوادگی را ایده‌آل پرهیزکاران معرفی می‌کند. در درون واحد اجتماعی خانواده پدر و مادر از آغاز تولد کودکان به عنوان الگو برای آنان مطرح هستند، نقش و معنای اهمیت خانواده در به سازی وضعیت بشر نیز در همین واقعیت نهفته است. در نگاه پیشوایان دین، باورها، چگونگی زندگی، عادت‌ها تمایلات و اهداف والدین از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر کودکان هستند. بنابراین نوع رفتار والدین در هماهنگ سازی خواست‌ها و تمایلات خودشان از یک سو و تمایلات خانوادگی و اجتماعی از سوی دیگر و همچنین تلاش پیوسته آنان برای تأمین رفاه و سلامتی روانی خانواده و نوع برخوردشان با وظایف دینی و اجتماعی از عوامل ایجاد هسته تعاون و همکاری اجتماعی در کودک شمرده می‌شوند. ارزش خانواده پیش از هر چیز بر پایه مودت و دوستی بین اعضای آن استوار است؛ اعضای که انجام حقوق متقابل، آنان را در کنار یکدیگر نگاه داشته است و اگر این جریان براساس دوستی و تفاهم و برکنار از منیت‌ها ادامه یابد به کمال انسانی مورد انتظار خواهد انجامید. از نگاه قرآن، خانواده، مدرسه محبت و دوستی است، در آیه ۲۱ سوره روم آمده است: (و من آیاته أن خلق لکم من أنفسکم أزواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودة و رحمة إن فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون) از نشانه‌های او این است که از خود

شما جفت‌هایی برای شما آفرید تا نزد ایشان آرامش یابید، و میان شما دوستی و مهربانی برقرار ساخت. همانا در این نشانه‌هایی است برای آنان که می‌اندیشند. در این آیه، چند نکته و نقطه با اهمیت درباره خانواده وجود دارد که شایسته بررسی است (صدر طباطبایی، ۱۳۸۰: ۱۲).

براساس آیات و روایات، خانواده متشکل از پیوند شرعی میان زن و مرد، فرزندان آن‌ها و خویشاندی نسبی و سببی است. براساس همین منابع، خانواده دارای کارکردهایی است که در تربیت اخلاقی و تعلیم اعضای خانواده مؤثر است. همچنین به وجود محبت و مودت میان اعضای خانواده، استمرار ارتباط میان والدین و فرزندان و نوع ارتباط میان خانواده و فرزندان به‌گونه‌ای است که مشکلات و کاستی‌های ناشی از آموزش‌های مدرسه را برطرف کند. از سویی به‌دلیل انجام عملی بسیاری از موارد اخلاقی و دینی توسط خانواده، تأثیرگذاری آن‌ها بر فرزندان بیش از مدرسه خواهد بود. در مجموع خانواده کارکردهای تعلیمی و تربیتی اخلاقی و دینی برای اعضای خود دارد که مدرسه نمی‌تواند جایگزین آن باشد.

بررسی‌ها در داستان‌های قرآنی و مفهوم خانواده در این داستان‌ها حاکی از وجود خانواده در مفهوم گسترده در قرآن است. تصویر شماره ۱ و ۲ که روایت‌گر بخشی از داستان زندگی حضرت نوح و یعقوب است به خانواده در مفهوم گسترده دلالت دارد.



تصویر ۱. فرزندان نوح سوار بر کشتی، نسخه جامع‌التواریخ، مکتب ایلخانان. محل نگهداری: انجمن آسیایی لندن



تصویر ۲. حضرت یعقوب (ع) با سه پسر و دو همسرش لیا و راحیل. جامع التواریخ. مکتب ایلخانان. محل نگهداری: انجمن آسیایی لندن

۳. خانواده بر حسب ابعاد

خانواده از دیرباز به دو نوع خانواده هسته‌ای و گسترده تقسیم شده است. خانواده گسترده خانواده‌ای است که از یک پدربزرگ و مادر بزرگ و یک یا چند نفر از فرزندان ازدواج کرده و نکرده آنان، عروس‌ها و نوه‌ها و خویشاوندان وابسته به خانواده تشکیل می‌شود. به گفته فرید در «درآمدی بر خانواده و نظام خویشاوندی»، خانواده گسترده براساس پدرسالاری اداره می‌شود، شامل چند گروه زناشویی است که از طریق ازدواج اعضای خانواده و پیوندهای سببی بوجود می‌آید (فرید، ۱۳۸۸: ۱۷۲). خانواده هسته‌ای، خانواده‌ای است مرکب از یک زن و مرد با تعدادی فرزندان مجرد که براساس ازدواج و روابطی از قبیل زن و شوهری، پدر و مادر - فرزندی، خواهر - برادری و غیره برقرار است. در خانواده هسته‌ای دو نسل زندگی می‌کنند و قدرت خانواده در دست پدر یا مادر است و اعضای آن در بسیاری از امور خانواده استقلال دارند؛ در این نوع خانواده فرزندان از ارزش خاصی برخوردارند و خواسته‌ها و ارزش‌های آنان مورد توجه جدی قرار می‌گیرد (تقوی، ۱۳۷۴: ۴۰). خانواده هسته‌ای شامل «خانواده زن و شوهری»، «خانواده پدر و مادری» و «خانواده زیستی» است. خانواده زن و شوهری «در این نوع خانواده، تاکید بر روابط زن و شوهر است، نه روابط بین خویشان؛ به معنای گسترده کلمه، در این خانواده که بعضی آن را با خانواده هسته‌ای مترادف می‌دانند، استقلال زن و شوهر در قبال والدین، فاصله مکانی آنان و گذران زندگی نه در خانه والدین شوهر یا زن، بلکه در خانه‌ای دیگر بیشتر حاصل می‌شود» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۳۷). در خانواده پدر - مادری زوج‌های جوان پس از ازدواج، خانه پدران و مادران را ترک می‌گویند و خود خانواده‌ی جدیدی را بنا می‌کنند. والدین در این مرحله، دور تازه‌ای از زندگی را آغاز می‌کنند که با تنهایی آنان همراه است (فرید، ۱۳۸۸: ۱۷۸). خانواده زیستی نوعی از خانواده است که از مشروعیت اجتماعی لازم برخوردار است، اما توان و قدرت کافی برای نگهداری و اجتماعی کردن فرزندان را ندارند.

۴. انواع خانواده بر حسب دوام

در دنیای کنونی باتوجه‌به تحولات اقتصادی، اجتماعی، عوامل جدیدی در استحکام و یا ناپایداری و از هم‌گسیختگی خانواده‌ها مؤثرند. به این جهت بر حسب دوام و حفظ نظام خانواده، می‌توان آن را به دو گروه طبقه‌بندی کرد.

خانواده بادوام: اعضای این نوع خانواده نه تنها مشکلی ندارند بلکه از تعادل لازم هم برخوردارند و نیز مشکل‌زدا هستند و در رفع آسیب‌های روانی و اجتماعی سایرین و خانواده‌های وابسته گام برمی‌دارند و این یعنی آن‌که اعضای این خانواده اهدافی فراتر از منافع شخصی در سر می‌پرورانند و مستقل از اظهارنظرها و داوری‌های مردم عمل می‌کنند (محمودیان، ۱۳۸۳: ۸۲).

خانواده ناقص: «خانواده‌ای است که به علل و عوامل گوناگون، یکی از اعضای خود، پدر یا مادر را از دست می‌دهد و تنها از طریق یکی از والدین و به همراه فرزندان مجرد خانواده ادامه حیات می‌یابد. در چنین شرایطی کارکردها و نقش خانواده به درستی ایفا نمی‌گردد» (فربد، ۱۳۸۸: ۱۷۸).

ویلیام جی. گود (۱۷۹۸-۱۸۵۹م.) عوامل مختلفی را باعث از هم‌گسیختگی خانواده معرفی می‌کند؛ ۱-عدم ثبات: واحد خانوادگی کامل نشده است و می‌توان آن را جزء انواع عدم موفقیت در ایفای نقش در خانواده به حساب آورد، زیرا «پدر یا شوهر» وجود ندارد و در نتیجه، وظایف خود را انجام نمی‌دهد؛ ۲-جدایی و طلاق؛ ۳-خانواده درون‌تهی: اعضای آن به زندگی با یکدیگر ادامه می‌دهند، ولی با یکدیگر روابطی ندارند و از حمایت احساسی یکدیگر محرومند؛ ۴-غیبت غیر ارادی یکی از دو همسر: بعضی از خانواده‌ها به دلیل مرگ زن یا شوهر و یا زندانی‌بودن آن‌ها، جنگ و یا فاجعه‌ای دیگر تجزیه می‌شوند؛ ۵-عدم موفقیت غیر ارادی در اجرای نقش‌های اساسی: در این مورد، علت فاجعه خانوادگی ممکن است انواع امراض روانی، احساسی یا بدنی باشد (محمودیان، ۱۳۸۳: ۸۱).

۵. بررسی خانواده در آثار داستانی شهرنوش پارسی‌پور

شهرنوش پارسی‌پور از نویسندگان بزرگ معاصر است که آثار داستانی او محصول اجتماع است و تأثیر اوضاع اجتماعی در آن‌ها قابل مشاهده است. نویسنده به‌خوبی توانسته آثار خود را در یک ژانر اجتماعی بگنجاند و جامعه داستانی خود را به جامعه واقعی نزدیک کند. در این پژوهش، نهاد خانواده که زیرمجموعه جامعه است، مورد بررسی قرار گرفته است. پارسی‌پور بسیار حاذقانه وضعیت خانواده‌های ایرانی را در آثار خود به تصویر کشیده است. در آثار داستانی برگزیده وی می‌توان نمود ساختار و نهاد خانواده را مشاهده کرد و همچنین با بررسی آثار برگزیده داستانی وی می‌توان به روابط و مناسبات حاکم بر خانواده ایرانی و همچنین نوع نگاه جامعه به زن رسید.

۵.۱. بررسی خانواده در رمان «طوبا و معنای شب»

طوبی و حاجی محمود: این خانواده از نوع ناقص است، زیرا سرانجام ازدواج طوبی با حاج محمود طلاق است. یکی از عوامل جدایی این زن و مرد اختلاف سنی زیاد آن‌هاست، محمود ۵۲ ساله و طوبی ۱۴ ساله می‌باشد. در زندگی

زناشویی میزان سن زن و شوهر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و اختلاف سنی بسیار در بیشتر مواقع می‌تواند به فاجعه طلاق و جدایی منجر شود. حاج محمود از نوع مردانی است که همیشه اقتدار و برتری را به مردان می‌دهد و به زنان به دیده حقارت می‌نگرد. او مردی خشن و بداخلاق است و عشق زنان را نادیده می‌گیرد. او در دوره‌ای با طوبی ازدواج کرده که زنان همیشه در اندرونی خانه بوده‌اند و صدا و حضورشان از پس پرده جریان داشته بود. در چنین شرایطی گاه ایستادگی در برابر حوادث و قوانین جامعه مردسالار و توجه به خواسته‌های زن مستلزم قربانی شدن و قربانی کردن است. همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، مرگ ادیب اثرات بدی بر زندگی طوبی به‌جا گذاشت. حاج محمود که بعد از مرگ ادیب به خانواده ادیب کمک مالی می‌کرد. او رفت و آمد زیاد خود را به خانه ادیب صلاح نمی‌دانست تصمیم می‌گیرد با زن آن مرحوم ازدواج کند. اما همسر ادیب قصد ازدواج با مرد دیگری را داشته و جرأت گفتن این مسئله را به حاج محمود نیز نداشت. به همین دلیل دخترش طوبی را پیش می‌کند تا این مسئله را بازگو کند. طوبی در اقدامی فداکارانه برای نجات مادر و جلوگیری از تن دادن وی به ازدواجی ناخواسته، خود را قربانی می‌کند و وارد چنین رابطه‌ای می‌شود. حاج محمود ۵۲ ساله با اکراه به ازدواج با طوبی رضایت می‌دهد.

خانواده طوبی و فریدون میرزا: بعد از اتمام عده طوبی، باران می‌بارد. طوبی به حمام می‌رود و تا چرک از بدن بشوید و در همان‌جا چشم یک خانم به نام عفت به او می‌افتد و خبر زیبایی و طلاق طوبی را به یکی از شاهزاده خانم‌های قاجار می‌دهد. بعد از چند روز توران السلطنه به همراه خدم و حشم به منزل طوبی می‌آید و او را برای برادرش فریدون میرزا خواستگاری می‌کند. زن جوان ابتدا از پذیرش فریدون میرزا سر باز می‌زند و می‌گوید دوست دارد باقی عمرش را به دنبال خدا برود. اما سرانجام بی‌اراده و بدون میل قلبی به این ازدواج تن می‌دهد. فریدون میرزا همسر دوم طوبی؛ مردی خوش‌گذران، عیاش و چند همسر می‌باشد. اهل کار نیست و شدیداً زن دوست می‌باشد. پنجاه سال سن دارد. اما ظاهر او زیبا و دلفریب است. او طرح زندگی‌اش را در زن‌بارگی ریخته است. خانواده طوبی و شاهزاده فریدون میرزا از نوع ناقص است، زیرا این خانواده به دلیل طلاق از هم می‌پاشد.

شخصیت طوبی در زمینه مادری کردن برای بچه‌هایش به شکل‌های گوناگون نمود پیدا می‌کند. در نبود شاهزاده کار طوبی سخت‌تر می‌شود. او برای فرزندانش هم باید مادر باشد و هم پدر. مشکلات زندگی و افتادن وظیفه مرد خانه بر دوش طوبی از او مادری خشن ساخته که حتی به خدمتکارش یاقوت «سپرده بود تا گاهی به بچه‌ها تشر بزند و حتی اگر لازم باشد کتک بزند» (پارسی‌پور، ۱۳۹۷: ۱۰۹). طوبی با استرس و نگرانی‌ای که در مورد آینده فرزندانش داشت همه آن‌ها را با موفقیت به خانه بخت می‌فرستد. با گذشت زمان و شاید با بالا رفتن سن طوبی و یا این‌که خیانتی که از جانب شاهزاده متحمل شده بود تبدیل به مادری نامهربان می‌گردد. طوبی با جسد ستاره که در خانه‌اش دفن شده بود، خو گرفته بود و دیگر حوصله مادری کردن برای بچه‌هایش را نداشت. هنگامی که مونس دختر طوبی طلاق می‌گیرد و به خانه‌ای او برمی‌گردد صراحتاً به مونس اعلام می‌کند که پیر شده و دیگر حوصله اینکه ادای مادری مهربان و عاشق را برای او در بیاورد، ندارد و برخورد تلخ و زننده‌ای با مونس می‌کند. «طوبی راه داد تا مونس وارد شود. دیگر پیرزن تلخ

گوشتی بود. دلش نمی‌خواست کسی را به حریم شخصی‌اش راه بدهد. گفت که مونس باید بداند که او دیگر پیر است و حوصله مادری ندارد. دختر با بغض فروخورده سرش را به تأیید تکان داد» (همان: ۲۴۲).

گلاس و رایت (۱۹۹۹) خیانت را رابطه جنسی، عاطفی و یا ترکیبی از هر دو می‌دانند آنان معتقدند که خیانت عاطفی حتی اگر منجر به رابطه جنسی نشود به رابطه زناشویی آسیب می‌زند. هرگونه روابط جنسی یا ارتباط عاطفی خارج از چارچوب روابط زناشویی به صورت مخفیانه، که تهدیدی برای زندگی زناشویی محسوب شده، قانوناً به عنوان خیانت تعریف می‌شود. اگر فردی رابطه جنسی با دیگری نداشته باشد اما علاقه، صمیمیت، محبت و زمان خاصی را با او صرف کند که در این صورت توافق زوجها رعایت نشود و یا برای رابطه زناشویی زیان‌آور و تهدید کننده باشد چنین موقعیت‌هایی را باید به عنوان خیانت تلقی کرد. به نظر می‌رسد دو عامل در این که یک رابطه خیانت نامیده می‌شود وجود دارد: یکی از آن‌ها عدم رعایت توافق زوجین است و دوم اگر آسیب به رابطه زناشویی وارد شود که اکثراً وارد می‌شود باید چنین رابطه‌ای را به عنوان خیانت تلقی کرد (مردانی، ۱۳۹۴: ۱۶).

خیانت شاهزاده، زندگی طوبی را که در نظرش چون کاخ با شکوهی بود یک‌دفعه ویران کرد. او را به انسانی تبدیل کرد که با همه احساس بیگانگی داشت و یک بیمار روحی و جسمانی از او ساخته بود. وضعیت طوبی از لحاظ روحی و روانی به گونه‌ای بود که تنها راه رهایی از رنج و غصه را در طلاق و جدایی از شاهزاده می‌دانست. بنابراین برای جدایی تصمیم قاطع می‌گیرد. باید یادآور شد یکی از مهم‌ترین مسائل درون هر خانواده به‌ویژه خانواده‌های ایرانی وجود امنیت و بهداشت است. برای یک زن امنیت او از اهمیت بالایی برخوردار است. طوبی در هوایی مسموم از خیانت و ناامنی که شاهزاده به آن جنبه شرعی بخشیده، به سر می‌برد. او هرگز راضی نمی‌شد که وجود زن دیگری را در کنار شوهرش ببیند به همین دلیل از او جدا می‌شود.

خانواده مونس و آقای خوانساری: خانواده‌ای که مونس با آقای خوانساری تشکیل می‌دهد از نوع ناقص است زیرا این خانواده بعد از دو سال با جدایی مونس از آقای خوانساری از هم می‌پاشد. از عواملی که می‌توان گفت منجر به طلاق و جدایی بین مونس و آقای خوانساری می‌شود ابتدا تفاوت سنی بسیار زیاد آن‌ها است. مونس ۱۴ ساله و آقای خوانساری پنجاه و چند ساله. دیگر این که این ازدواج از همان ابتدا با بی‌علاقگی هر دو طرف صورت گرفته بود. «آقای خوانساری با همه دست داد و با مونس هم. با دیدن او اخم کرد، در اندیشه بود که با عروس به این نوجوانی چه باید بکند. [...] دختر اما یخ کرده بود. هر تصویری از داماد در ذهن داشت جز این یکی را. به سرش زد که وقتی همه گرم صحبت شدند آهسته از اتاق خارج شود و به طرف خانه فرار کند» (همان: ۲۳۳).

خانواده مونس و اسماعیل: خانواده اسماعیل و مونس از نوع ناقص است. شروع زندگی این زوج حالت عادی ندارد. آن‌ها همیشه پنهانی با هم قرار می‌گذارند تا از عشق هم لبریز شوند. هنگامی که مونس می‌خواهد ازدواج خود را علنی

کند و زندگی مشترک خود را با اسماعیل آغاز کند، اسماعیل به زندان می‌افتد. درست زمانی که مونس باردار است اسماعیل به زندان می‌افتد و از ترس رسوایی اقدام به سقط جنین می‌کند و برای همیشه از مادر شدن محروم می‌گردد. یکی از عواملی که سبب می‌شود مونس دست به چنین اقدام ناشیانه‌ای بزند اوضاع نابسامان خانوادگی آن‌هاست. سقط جنین، مونس را دچار افسردگی شدیدی می‌کند. او تعادل روحی خود را از دست می‌دهد و تا هشت ماه حتی به سمت زندان نمی‌رود و یادی از شوهر عاشق و دل سوخته خود نمی‌کند. هنگامی که اسماعیل از زندان آزاد می‌شود، آن‌ها در خانه طوبی زندگی مشترک خود را آغاز می‌کنند. این‌گونه خانواده که زن و شوهر با پدر و مادر یکدیگر زندگی می‌کنند از نوع گسترده است. اسماعیل همسرش را عاشقانه دوست دارد و در کنار او یک زندگی آرام و یکنواختی را می‌گذراند. هنگام زندگی با اسماعیل، رفتار مونس با اسماعیل بسیار سرد می‌شود و دیگر زن مناسبی برای شوهرش نیست و تنها به حکم عادت در کنار او زندگی می‌کند. حتی حاضر به هم‌خوابی با او نمی‌شود و نیازهای عاطفی همسرش را برطرف نمی‌کند. «زن رفتار جنسی را تحقیر می‌کرد. آن‌کس که در نخستین عاشقانه‌هایش آن همه شور و شر داشت و گلوله آتشی را می‌مانست حالا کوه یخی بود که مرد را تحمل می‌کرد» (همان: ۳۰۶).

۵.۲. بررسی خانواده در رمان «سگ و زمستان بلند»

خانواده محمدی: از لحاظ ابعاد این خانواده از نوع هسته‌ای است که از پدر و مادر و فرزندان خانه تشکیل شده است. اما این خانواده به دلیل عدم موفقیت غیرارادی در اجرای نقش‌های اساسی از نوع ناقص است؛ در این موارد علت فاجعه خانوادگی امراض روانی و روحی پسر خانواده حسین است که بیماری طولانی‌مدت این پسر و نیز مسائل دیگر مثل به زندان رفتن او؛ زندگی خانوادگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده و روند طبیعی زندگی را مختل کرده است. حوری دختر خانواده تحت تأثیر افکار و عقاید حسین قرار می‌گیرد و تبدیل به موجودی افسارگسیخته و بی‌بندوبار می‌گردد. این حالات و سکنت دختر سبب می‌شود تا کارکردهای خانواده به‌درستی صورت نگیرد. مادر حوری زنی مطابق میل و خواسته‌ی جامعه مردسالار است. او مطیع و حرف‌شنو است، در خانه هیچ حقی برای اظهار نظر و بیان خواسته‌های خود ندارد. آقای محمدی پدر حسین نمادی از پدران دیکتاتور و مردسالار است. اما از داشتن قلب مهربان محروم نیست. این مرد برای آزادی حسین به هر دری می‌زند و از هیچ تلاش و کوششی در این زمینه دریغ نمی‌کند. «برای نجات حسین به این در و آن در می‌زد. آقا جان فکر می‌کرد با دستگیری حسین کار دنیا به آخر رسیده است» (پارسی‌پور، ۱۳۶۹: ۸۹).

اخلاق آقای محمدی همیشه با دلسوزی و مهربانی نسبت به فرزند همراه نیست. او یک پدر دیکتاتور و مردسالار است و حرف، حرف او در خانه است و با هر کس که برخلاف میل او در خانه عمل کند نظر لطف و محبت خود را خیلی زود از او دریغ می‌کند. این مرد گاهی اوقات به‌جای مرهم نهادن بر آلام و دردهای حسین نمک بر زخم او می‌پاشد. او مردی مذهبی است و پدرسالاری است که اخلاق تند او از او یک دیکتاتور و مستبد تمام عیار ساخته است. او در رابطه با حوری هم اخلاق درستی ندارد. هنگامی که اهل محل شایعه کرده بودند که بین حوری و فریبرز پسر خانم بدرالسادات

سر و سرهایی وجود داشته، دختر را به آزمایشگاه برده تا از سلامتی او باخبر شود. این امر عفت دختر را نزد خانواده و همسایه‌ها لکه‌دار می‌کند. او حرف‌های زشت و رکیک در رابطه با حوری به کار می‌برد و به او حمله نیز می‌کند.

خانواده افخمی: در جوامع سنتی، جنس زن را از همان آغاز تولد او بدشگون به حساب می‌آوردند. در این جوامع که می‌شود نام جامعه پدرسالار بر روی آن گذاشت به جنس زن یا دختر با نگاه تحقیرآمیز نگریسته می‌شود. این نوع نگاه کم‌بینانه به زن در جامعه سنتی در یکی از خانواده‌های مورد بررسی به نام خانواده افخمی وجود دارد. در این نوع نگاه، به زن به عنوان یک انسان برخوردار از شخصیت و هویت انسانی نگریسته نمی‌شود. حقوق اساسی او در خانواده نادیده انگاشته شده و تنها وظیفه او را شوهرداری و خدمت به مردان می‌دانند و برای او شخصیت انسانی قائل نیستند. و ارزش و اهمیت یک زن را فقط در کنار مرد می‌بینند. داشتن پسر برایشان جزء ارزش‌های جامعه محسوب می‌شود. این خانواده از نوع هسته‌ای است که از پدر و مادر و بچه‌ها تشکیل شده است. اما از آن جهت که مادر خانواده وظیفه خود را به عنوان یک مادر به درستی انجام نمی‌دهد و از دخترش یک انسان متزلزل و گوشه‌گیر ساخته است ناقص می‌باشد. خانم افخمی؛ نمونه‌ای از مادران کوتاه‌فکر و نادان در جامعه است. او از ارزش و جایگاه زن یا دختر کاملاً بی‌خبر است. این خانم از سواد و درک بالایی برخوردار نیست به همین دلیل جنس پسر را بر دختر ترجیح می‌دهد. و علت ترجیح جنسیتی در این زن این است که بزرگ کردن دختر و همچنین داشتن دختر را دشوار می‌داند. و این خانم با این دیدگاه آرامش نسبی خود و دخترش را به هم زده است.

خانواده سرهنگ قزوینی: این خانواده از نوع ناقص است. و جزء خانواده‌های درون تهی محسوب می‌شود. مادر و فرزندان از حمایت عاطفی و احساسی پدر خانواده محروم هستند. پدر خانواده هیچ مسئولیتی در قبال همسر و فرزندان نداشته و همیشه در حال خیانت به همسرش بوده است. بنابراین یکی از عواملی که بین زن و شوهر جدایی می‌اندازد و سبب می‌شود که یکی از طرفین وظایف خود را به درستی انجام ندهد عدم وفاداری آن‌ها به یکدیگر است. خانم سرهنگ زن صبوری بود. تمام سختی‌ها و ناملایمات زندگی را تحمل می‌کرد و از هرگونه رفتار زشت و ناپسند سرهنگ همیشه چشم‌پوشی می‌کرد. او در مقابل چشمانش شاهد عیاشی‌های شوهرش با زنان دیگر بوده و هیچ‌گاه دم بر نمی‌آورده است. گویی که او هیچ هویتی نداشته و هیچ تعهدی را از مرد برای خود نمی‌خواسته است. «خانم سرهنگ روحیه‌ای مخالف شوهرش داشت. صبور و قانع و بساز بود و رفتارهای ناپسند شوهرش را تحمل می‌کرد. حتی شنیده بودم که در اوایل ازدواج، سرهنگ زنهایی را به خانه می‌آورده و جلوی چشمهای زنش با آن‌ها هماغوش می‌شده است» (همان: ۹۹-۱۰۰).

۵.۳. بررسی خانواده در داستان زنان بدون مردان

خانواده امیرخان: در داستان «زنان بدون مردان» بنیان خانواده‌ها سست و متزلزل است. امیرخان برادر مونس در ابتدا با فائزه دوست خواهرش خیلی صمیمی بود به گونه‌ای که فائزه مطمئن بود که امیرخان با او ازدواج می‌کند. اما این مرد برای انتخاب همسر مورد علاقه‌اش معیارهایی داشت؛ او معتقد بود «از قدیم گفته‌اند زنی را که رسید به بیست

باید به حالش گریست. من چاره‌ای ندارم جز اینکه با یک دختر کوچک‌تر از بیست سال ازدواج کنم» (پارسی‌پور، ۱۳۶۸: ۲۰). در نظر امیرخان، فائزه سبک‌سر و ساده‌لوح است به همین دلیل در معیارهای انتخاب همسر امیرخان نمی‌گنجد. امیرخان دختر همسایه‌شان را که به قول خودش پاکدامن و کم‌سن و سال است را به همسری برمی‌گزیند اما از بخت بد او این دختر قبل از امیرخان با پسر دایی‌اش رابطه داشته و از او باردار شده است. خانواده عروس، در شب عروسی به امیرخان مشروب می‌دهند تا او از حالت طبیعی خارج شود و از ماجرای باکره‌نبودن عروس مطلع نشود. مونس که با تولد مجدد قادر است ذهن‌ها را بخواند، پرده از این ماجرا برمی‌دارد و امیرخان را از این موضوع آگاه می‌کند. امیرخان به بخت بد خود رضا می‌دهد و در کنار همین دختر به زندگی خود ادامه می‌دهد و از او بچه‌دار می‌شود. امیرخان برای دیدار خواهرش مونس به باغ فرخ‌لقا رفت‌وشد می‌کرد. فائزه به بهانه‌های مختلف به او نزدیک می‌شود. امیرخان با این که زن و بچه دارد وارد رابطه با فائزه می‌شود؛ هر روز با او قرار ملاقات می‌گذارد. سرانجام پنهانی با هم به محضر می‌روند و عقد می‌کنند و رسماً زن و شوهر می‌شوند. اگر اندکی در این خانواده دقت شود. متوجه این مطلب می‌توان شد که تمام افراد این خانواده از لحاظ اخلاقی مشکل دارند. زن اول قبل از ازدواج با شخصی دیگر ارتباط نامشروع داشته، خود امیرخان قبل از ازدواج با همسرش با فائزه در ارتباط بوده اما او را برای همسری مناسب نمی‌داند و با او ازدواج نمی‌کند. بعد از ازدواج با زن اولش دوباره دلش هوای فائزه را می‌کند و او را می‌گیرد. فائزه هم یک دختر فراری است که خانه را ترک کرده و در مسیر راه مورد تجاوز رانندگان کامیون قرار گرفته است. وضعیت این خانواده سست و متزلزل است و هرکدام به‌نوعی آلوده به رذایل اخلاقی هستند. این افراد وقتی به خانواده که سنگ بنای جامعه است وفادار نیستند در محیط کار و جامعه هم درست عمل نمی‌کنند و بی‌مبالاتی‌های بسیار از آن‌ها سر می‌زند.

۵.۴. بررسی خانواده در داستان «تجربه‌های آزاد»

خانواده راوی: خانواده در داستان «تجربه‌های آزاد» به معنای آن چیزی که مقبول سنت و جامعه ایرانی است، مطرح نیست. و پایه و اساس آن کاملاً سست و متزلزل می‌باشد. خانواده راوی (دختر) از نوع ناقص است. نویسنده به چگونگی روابط بین اعضا با یکدیگر هیچ اشاره‌ای نکرده است. اما دختر خانواده که همان راوی داستان است از آزادی بسیاری برخوردار است. این دختر بیشتر وقت خود را بیرون از منزل می‌گذراند و همیشه در حالت رفت‌وآمد با دوستانش به‌ویژه دوستان مرد خود است. در جامعه سنتی این‌گونه آزادی‌ها برای دختر اصلاً پسندیده نیست. نویسنده هیچ اشاره‌ای به برخورد پدر و مادر دختر با او نکرده است. می‌توان گفت آنان به نوعی با سنت‌های موجود در جامعه می‌جنگند و خواهان زندگی‌ای شبیه جوامع غربی هستند. دختر حاضر به ازدواج سنتی نیست و از ازدواج با مردی که پدرش برای او انتخاب کرده سرباز می‌زند. «یک‌روز، پدرم از محل کارش یک خواستگاری برای من آورد» (پارسی‌پور، ۱۳۵۷: ۱۵). اما این دختر در عوض به مردی که در خیابان با او آشنا شده و شناخت درستی از او ندارد پیشنهاد ازدواج می‌دهد. این‌گونه پیشنهادها و روابط خیابانی به تحکیم خانواده که مقبول جامعه سنتی و خانواده‌های ایرانی است، ضربه می‌زند.

نتیجه‌گیری

شهرنوش پارسی‌پور از نویسندگان بزرگ معاصر است که حوزه خانواده که جزوی از اجتماع و جامعه است در آثار داستانی او مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است. خانواده به‌عنوان نخستین نهاد اجتماعی‌ای که در زندگی جمعی انسان نقش مهمی را ایفا می‌کند از سایر نهادهای اجتماعی از ارزش و اهمیت خاص‌تری برخوردار است. همچنین انعکاسی از اوضاع اجتماعی است که عناصر اصلی جامعه یعنی افراد را در خود جای داده است. خانواده در آثار داستانی پارسی‌پور از پایه و اساس سست و متزلزل است و عوامل متعددی سبب از هم‌گسیختگی خانواده‌ها در آثار داستانی این نویسنده شده است. مهم‌ترین عوامل در آثار داستانی پارسی‌پور که باعث تجزیه خانواده‌ها شده، عبارت‌اند از: طلاق و جدایی که این امر هم به دلایلی مثل تفاوت سنی بسیار بین زوجین یا خیانت و بی‌وفایی صورت می‌گرفته است. غیبت غیرارادی یکی از دو همسر از دیگر عواملی است که سبب می‌شده کارکردهای خانواده به‌درستی صورت نگیرد. علت فاجعه خانوادگی ممکن است امراض روحی جسمانی یکی از اعضا باشد. نویسنده در آثار خود از خانواده‌های مردسالاری سخن به میان می‌آورد که مقام و جایگاه زن را نادیده می‌گیرند و برای جنس زن ارزشی قائل نیستند. شخصیت‌های داستانی پارسی‌پور به‌دلیل شرایط بدی که در خانواده‌ها دارند شخصیت‌های ناشاد و بدبختی هستند که در جهان آثارش بی‌هیچ امید و هدفی پرسه می‌زنند. پارسی‌پور بسیار حاذقانه وضعیت خانواده‌های ایرانی را در آثار خود به تصویر کشیده و نشان داده که زن هیچ هویت و ارزشی در جامعه آن روزگار نداشته است. در آثار داستانی برگزیده وی می‌توان نمود ساختار و نهاد خانواده را مشاهده کرد و همچنین با بررسی آثار برگزیده داستانی وی می‌توان به روابط و مناسبات حاکم بر خانواده ایرانی و همچنین نوع نگاه جامعه به زن رسید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ:

کتاب‌ها

- اسمیت، دنیس. (۱۳۸۶). برآمدن جامعه‌شناسی تاریخی. چاپ اول، ترجمه: هاشم آقاجری، تهران: مروارید.
- اشلی، دیوید؛ اورنشتین، دیوید مایکل. (۱۳۸۳). نظریه جامعه‌شناسی (اصول و مبانی کلاسیک). ترجمه: سید علی‌اکبر میرمهدی حسینی، کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
- باقی‌نصرآبادی، علی. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی خانواده، چاپ نخست، تهران: دانشگاه جامع و علمی کاربردی.
- بستان (نجفی)، حسین و دیگران. (۱۳۸۵) اسلام و جامعه‌شناسی خانواده. چاپ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- پارسی‌پور، شهرنوش. (۱۳۵۷). تجربه‌های آزاد. چاپ اول، تهران: چاپخانه سپهر.
- (۱۳۶۸). زنان بدون مردان. چاپ اول، تهران: نقره.
- (۱۳۶۹). سگ و زمستان بلند. چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر (جعفری).
- (۱۳۹۷). طوبا و معنای شب. چاپ ششم، تهران: نشر البرز.
- تقوی، نعمت‌الله. (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی خانواده. چاپ نخست، تهران: دانشگاه تهران.
- حجازی، بنفشه. (۱۳۸۱). ضعیفه (بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر صفوی). چاپ دوم، تهران: قصیده‌سرا.
- رجب‌زاده، محمدرضا. (۱۳۷۹). زن در آینه اندیشه‌ها. چاپ اول، نشر شیخ صفی‌الدین.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). دایره‌المعارف علوم اجتماعی. تهران: کیهان.
- سالاری‌فر، محمدرضا. (۱۳۸۵). خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی. چاپ نخست، قم: حوزه و دانشگاه.
- سگالین، مارتین. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی تاریخی خانواده. ترجمه: حمید الیاسی، چاپ دوم، تهران: مرکز.
- شیخی، محمدتقی. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی زنان و خانواده، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- فرید، محمدصادق. (۱۳۸۸). درآمدی بر خانواده و نظام خویشاوندی. چاپ دوم، تهران: پشتون.
- فروغی، محمدعلی. (۱۳۸۵). سیر حکمت در اروپا. چاپ سوم، تهران: زوآر.
- محمودیان، حسین. (۱۳۸۳). دانش خانواده. چاپ نخست، تهران: سمت.
- میرخانی، عزت‌السادات. (۱۳۷۹). رویکردی نوین در روابط خانواده. چاپ نخست، تهران: سفیر صبح.

ورد و شرمین. (۱۳۶۶). دیدگاه‌های نوین جامعه‌شناسی: دیدگاه‌های کلاسیک و رادیکال. ترجمه و تلخیص: مصطفی ازکیا. تهران: کیهان.

مقالات

رحمانیان، زینب و دیگر همکاران (۱۳۸۹) «بررسی جامعه‌شناسی رمان «طوبی و معنای شب» اثر شهرنوش پارسی‌پور». مجله ادبیات فارسی، شماره ۴۵، ۷۰-۴۹.

خسروی‌شکیب، محمد. (۱۳۸۹). «بررسی اندیشه فمینیسم در آثار شهرنوش پارسی‌پور و مارگریت دوراس»، مجله مطالعات ادبیات تطبیقی، شماره ۱۵، ۹۶-۸۱.

صدر طباطبایی، فاطمه. (۱۳۸۰). «تعریف خانواده از منظر قرآن». ویژه‌نامه زن در قرآن. شماره ۲۷ و ۱۸، ۱-۱۸.

پایان‌نامه‌ها

پورغلامی، سمانه. (۱۳۹۲). «بررسی مؤلفه‌های پسامدرن در آثار رضا امیرخانی و شهرنوش پارسی‌پور». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه کاشان.

مردانی، رضا. (۱۳۹۴). «بررسی عوامل مرتبط با رفتار خیانت زناشویی در بین خانواده‌های شهر اردبیل: مورد مطالعه پرونده‌های خیانت زناشویی از سال ۱۳۹۰-۱۳۸۵». پایان‌نامه کارشناسی ارشد (MA)، رشته پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خلخال.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی